

منشا و ماهیت موجودی مواد و کالا و بهای تمام شده کالای فروش رفته

اصطلاح موجودی مواد و کالا شامل ، کالای آماده برای فروش ، کالای ساخته شده، کالای در جریان ساخت ، کالاهایی که بطور مستقیم یا غیرمستقیم در تولید مصرف می شود اعم از مواد اولیه و قطعات یدکی و لوازم مصرفی

دلایل اهمیت موجودی مواد و کالا:

۱- بزرگترین قلم داراییهای جاری

۲- مختلف بودن روشهای ارزشیابی موجودی کالا

۳- تعیین ارزش موجود کالا اثری مستقیم بر روی قیمت تمام شده کالای فروش رفته و سود دارد

۴- دشوار و پیچیده بودن تعیین وضعیت ، کیفیت و ارزش موجودی مواد و کالا

هدفهای حسابرسان در رسیدگی به موجودیها همان شش مورد قبلی برای حسابهای دیگر ذکر شده می باشد.

نکته : بر طبق استانداردهای حسابرسی در صورتیکه که نظارت بر شمارش موجودیها غیر عملی و یا غیر ممکن باشد حسابرس می تواند شواهد قابل اطمینان را با استفاده از سایر روشهای حسابرسی بدست آورد. و نظر مقبول اظهار کند بدون آنکه عدم نظارت بر شمارش موجودیها را افشا کند.

روش های کنترل داخلی موجودی مواد و کالا

۱- حفاظت مناسب از موجودیها و نظارت بر ورود و خروج کالا از انبار براساس کسب مجوز قبلی و مدارک معتبر

۲- کنترل میزان موجودی های جنسی

۳- طراحی متناسب مدارک انبار به نحوی که تخصیص هزینه مواد به مرکز هزینه به آسانی صورت گیرد.

۴- نگهداری مدارک انبار جهت تسهیل کنترل این مدارک با دفاتر مالی

۵- اخذ پوشش بیمه ای مناسب

۶- قیمت گذاری صحیح موجودیها

۷- اختصاص سهم مناسبی از سربار به کار در جریان ساخت

### **منظور از حسابداری صنعتی (بهای تمام شد) چیست؟**

حسابداری صنعتی شاخه‌ای از علم و فن حسابداری است که وظیفه جمع آوری اطلاعات مربوط به عوامل هزینه و محاسبه بهای تمام شده محصولات و خدمات را بر عهده داشته با و تجزیه و تحلیل گزارش‌ها و بررسی راه‌های تولید روشهای تقلیل بهای تمام شده تولیدات را بیان می‌کند.

### **اهمیت حسابداری بهای تمام شده برای چیست ؟**

در واقع حسابداری صنعتی یا حسابداری بهای تمام شده یک ابزار بسیار مهم در اختیار مدیریت می‌باشند تا مدیران با استفاده از حسابداری صنعتی، بهای تمام شده تولیدات را محاسبه می‌کند و کنترل خود را بر روی هزینه‌های مواد، دستمزد و سایر هزینه‌های تولید اعمال می‌کند.

### **کاربرد حسابداری بهای تمام شده چیست ؟**

گاهی تصور می‌شود کاربرد حسابداری صنعتی و بهای تمام شده محدود به کارخانجات و صنایع تولیدی می‌باشد هرچند شاید مشهورترین کاربرد آن در این جهت باشد ولی سایر مؤسسات نیز از حسابداری بهای تمام شده بهره برده و از روشهای حسابداری بهای تمام شده در بانکها، شرکتهای بیمه عمده فروشی‌ها ، شرکتهای حمل و نقل ، شرکتهای هواپیمایی ، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها در جهت کارایی بیشتر استفاده می‌گردد.

### **حسابداری صنعتی**

حسابداری صنعتی حوزه‌ای از حسابداری که به چگونگی محاسبه قیمت تمام شده محصول جهت اندازه گیری موجودیها و تعیین سود دوره و کنترل هزینه‌ها و سایر موارد تأکید دارد.

حسابداری صنعتی طی یک فرآیند هزینه‌ها را شناسایی ، اندازه گیری، طبقه بندی، تلخیص و جمع آوری نموده که اصطلاحاً به این فرآیند هزینه یابی اطلاق می‌شود.

همچنین حسابداری صنعتی سیستمی است که اطلاعات به وجود آمده تماماً در سیستم حسابداری مالی و حسابداری مدیریت مورد استفاده قرار می‌گیرد در حسابداری مالی هنگام تهیه صورتهای مالی اطلاعات حسابداری صنعتی تحت عنوان موجودی کالای پایان دوره مورد استفاده قرار می‌گیرد همچنین در سیستم مدیریت این اطلاعات در برنامه ریزی، کنترل و تصمیم‌گیری‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

از آنجایی که بخشی از فرآیند سیستم حسابداری صنعتی به شناسایی هزینه‌ها می‌انجامد لذا در این بخش ابتدا تعریفی از هزینه ادامه سیستمی به طبقه بندی هزینه‌ها اشاره می‌شود:

حسابداری مالی تعریف ویر را از هزینه را از هزینه ارائه نموده است:

هزینه به معنی خروج وجه نقد از یک واحد انتفاعی یا مصرف یا استهلاک دارائی‌های موجود و یا افزایش بدهی‌ها و یک واحد ترکیبی از آنها که در نتیجه اجرای فعالیتهای اصلی یا جانبی واحد تجاری، واقع و به کاهش حقوق صاحبان سهام منجر می‌شود اطلاق می‌گردد.

در حسابداری صنعتی هزینه به عنوان منابع فدا شده برای رسیدن به یک هدف خاص، معرفی می‌نماید همچنین حسابداری صنعتی علاوه بر هزینه‌های اضافی گذشته با هزینه‌های برآوری و آتی. (منابعی که قرار است در آینده مصرف یا فدا شوند) نیز سر و کار دارند.

طبقه بندی هزینه‌ها

هزینه‌ها را میتوان به شکل‌های مختلف طبقه بندی کرد که به برخی از این طبقه بندی به شرح زیر اشاره می‌شود:

الف) طبقه بندی هزینه‌های به تفکیک هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم

هزینه‌های مستقیم:

به هزینه‌هایی اطلاق می‌شود که می‌توان آنها را به یک موضوع مشخص ارتباط دارد مانند مواد اولیه مصرف شده در یک واحد محصول.

هزینه‌های غیر مستقیم:

به هزینه‌هایی اطلاق می‌شود که نمی‌توان آنها را به یک موضوع مشخص ارتباط داد مانند هزینه‌های برق مصرفی در تولید محصولات.

هزینه‌های غیر مستقیم به علت اینکه قابلیت تخصیص به یک موضوع مشخص را ندارد، نمی‌توان آنها را مشخصاً به یک موضوع ارتباط داد بلکه این هزینه‌ها به طور عمومی و مشترک بین چندین موضوع هزینه می‌باشد.

هزینه های غیر مستقیم بر مبنای روشهای مختلف تسهیم به موضوعات مختلف هزینه مانند محصولات تخصیص داده می‌شود.

بطور خلاصه می‌توان بیان نمود که هزینه‌های مستقیم هزینه‌های هستند که به راحتی قابل ردیابی و تخصیص به یک محصول اندازه گیری نمود ولی هزینه‌های غیر مستقیم هزینه‌هایی است که به راحتی قابل ردیابی و تخصیص یک محصول نبوده بلکه این هزینه‌ها باید بین محصولات یا به عبارتی موضوعات مختلف هزینه تخصیص داده شوند فرآیند تخصیص هزینه‌های غیر مستقیم به محصولات را غیر مستقیم و یا تخصیص هزینه اطلاق می‌کنند مانند هزینه برق، هزینه تعمیرات و نگهداری ماشین آلات، هزینه تأمین ماشین آلات و ... به محصولات تولید شده .

(ب) طبقه بندی هزینه‌ها براساس عناصر تشکیل دهنده محصول

۱- هزینه‌های مواد مستقیم :

هزینه‌های مواد مستقیم به موادی اطلاق می‌گردد که به سهولت قابل ردیابی و تخصیص به یک واحد محصول تولید شده می‌باشد این مواد شکل ظاهری محصول را تشکیل داده و بدون مصرف این مواد تولید محصول غیر ممکن است، مانند هزینه چرم مصرفی در تولید کفش و یا پارچه مصرفی در تولید پوشاک .

۲- هزینه کار مستقیم :

حقوق و دستمزد افرادی که مستقیماً در تولید محصول نقش داشته‌اند که به سهولت قابل ردیابی و تخصیص به یک واحد محصول است . مانند هزینه حقوق و دستمزد کارگران تولید.

هر نوع هزینه مستقیم دیگری نیز اگر دارای خصوصیات و ویژگی‌های مواد مستقیم و کار مستقیم باشد را می‌توان به آسانی به یک واحد محصول تخصیص داده مانند لوازم بسته بندی مصرفی در بسته بندی‌های محصول

۳- هزینه‌های سربار ساخت / هزینه‌های غیر مستقیم :

این هزینه‌ها معمولاً شامل هزینه‌های کارخانه به استناد هزینه‌های مواد مستقیم و کار مستقیم می‌باشد به عبارتی هزینه‌هایی که نمی‌توان آنها را به سهولت به یک واحد محصول تخصیص داد و برای تخصیص این هزینه‌ها به محصول باید از فرآیند تخصیص و تسهیم استفاده نموده مانند هزینه‌های مواد غیر مستقیم، کار غیر مستقیم و سایر هزینه‌های ساخت. هزینه‌های مواد غیر مستقیم و کار غیر مستقیم مفهومی قابل هزینه مواد مستقیم و کار مستقیم را دارند. برای هزینه‌های غیر مستقیم می‌توان به عنوان مثال هزینه چسب و یا نخ مصرفی در تولید کنش اشاره کرده و برای هر سه کار غیر مستقیم می‌توان به عنوان مثال به هزینه حقوق و مزایای سرکارگر و یا مدیر تولید و یا هزینه حقوق و مزایای انباردار، نگهبان و ... اشاره نمود. سایر هزینه‌های ساخت شامل کلیه هزینه‌های غیر مستقیم به جز مواد غیر مستقیم و کار غیر مستقیم می‌باشد مانند هزینه‌های تعمیرات و نگهداری ماشین آلات، هزینه بیمه ماشین آلات کارخانه، هزینه سوخت کارخانه هزینه آب و برق و تلفن کارخانه و سایر هزینه‌های غیر مستقیم کارخانه

به جمع هزینه‌های (مواد مستقیم، کار مستقیم، هزینه‌های سر بار ساخت) هزینه‌های ساخت یا هزینه‌های تولید و یا تمام شده تولید اطلاق می‌شود.

مفهوم بهای اولیه یا هزینه‌های اولیه: به جمع مواد مستقیم و هزینه دستمزد مستقیم، بهای اولیه یا هزینه‌های اولیه اطلاق می‌شود یعنی دو نوع هزینه‌ای که مستقیماً قابل ردیابی در هر واحد محصول است.

هزینه تبدیل:

به جمع هزینه دستمزد مستقیم و هزینه سر بار ساخت اطلاق می‌شود.

(ج) طبقه بندی هزینه‌ها به دو نوع هزینه‌های محصول و هزینه‌های دوره:

هزینه محصول همان هزینه تولید و یا به عبارتی جمع هر سه هزینه مواد مستقیم، کار مستقیم و هزینه‌های سربار ساخت است.

هزینه دوره به کلیه هزینه‌هایی اطلاق می‌شود که نتوان این هزینه‌ها را به عنوان هزینه‌های محصول قلمداد نمود این هزینه‌ها به نوعی یا دوره زمانی که طی آن واقع شده‌اند ارتباط دارد و در دوره وقوع در صورت سود و زیان انعکاس می‌یابند این هزینه‌ها در صورت سود و زیان تحت عنوان هزینه‌های عملیاتی طبقه بندی می‌شوند مانند هزینه‌های توزیع و فروش و هزینه‌های عمومی و اداری هزینه‌های دوره به عبارتی هزینه‌هایی هستند که نه به طور مستقیم و نه به طور غیر مستقیم با تولید هیچ گونه ارتباطی ندارند.

(د) طبقه بندی هزینه‌ها براساس رفتار هزینه

در این نوع طبقه بندی موضوع از این است که هزینه‌ها در مقابل تغییرات تولید چه رفتاری از خود نشان می‌دهد .

(۱) هزینه‌های ثابت (۲) هزینه متغیر

۱- هزینه‌های ثابت :

هزینه‌های ثابت هزینه‌هایی هستند که بدون توجه به تغییرات حجم تولید در دامنه معین از تولید (دامنه مربوط) بدون تغییر هستند مانند هزینه استهلاک (روش خط مستقیم) هزینه بیمه ، هزینه اجاره ، عوارض و ... هزینه ثابت در یک دامنه مربوط ثابت است ولی تغییرات حجم تولید هزینه‌های ثابت در دامنه‌های مختلف، تغییر می‌باید هزینه‌های ثابت در سطح تولید در یک دامنه مربوط هر اندازه تولید بیشتر باشد هزینه ثابت هر واحد کمتر خواهد بود.

هزینه ثابت هر واحد برابر است با هزینه ثابت تقسیم بر میزان تولید.

۲- هزینه‌های متغیر :

هزینه‌های متغیر هزینه‌هایی هستند که با توجه به متغیر در سطح تولید این گونه هزینه‌ها نیز متغیر می‌یابند هزینه‌های متغیر در سطح کل تولید متغیر ولی در سطح هر واحد ثابت است.

طبقه بندی هزینه‌ها برحسب رفتار هزینه‌ها به چگونگی واکنش هزینه‌ها در برابر تغییر در سطح فعالیت اشاره دارد به بیان دیگر مقصود از رفتار هزینه‌ها مدلی است که براساس آن یک هزینه مشخص نسبت به تغییر در سطح فعالیت واکنش نشان می‌دهد.

بهای اولیه و بهای تبدیل :

بهای اولیه مستقیماً مربوط به تولید بوده و شامل هزینه‌های مواد مستقیم و کار مستقیم می‌باشد بهای تبدیل یا هزینه‌های تبدیل مربوط به هزینه‌هایی می‌شود که مواد مستقیم را به محصول تکمیل شده تبدیل می‌نماید که شامل هزینه کار مستقیم و هزینه‌های سربار کارخانه می‌شود.

## انواع موجودی‌ها در شرکت‌های تولیدی

شرکت‌های تولیدی دارای سه نوع موجودی به شرح زیر می‌باشند :

### ۱- موجودی مواد اولیه :

قیمت تمام شده موادی است که در تولید مورد استفاده قرار نگرفته و در انبار موجود می‌باشد.

### ۲- موجودی کالای در جریان ساخت :

قیمت تمام شده کالای تکمیل نشده است که شامل مواد مستقیم، کار مستقیم و سربار کارخانه می‌باشد.

### ۳- موجودی کالای ساخته شده :

قیمت تمام شده کالای تکمیل شده است که در انبار موجود می‌باشد که شامل مواد مستقیم ، کار مستقیم و سربار کارخانه می‌باشد.

برای سفارش خرید مواد و نگهداری آن در انبار یکسری اصول را بایستی رعایت نمود . اینگونه موارد به انباردار کمک می‌کند تا سفارش خرید مواد را به اندازه نیاز شرکت و در زمان مناسب انجام دهد. عدم رعایت انباردار نسبت به این موارد موجب می‌شود که یا مواد به اندازه بیش از نیاز کارخانه در انبار نگهداری شود و موجب راکد ماندن سرمایه شرکت شود و یا امکان تمام شدن مواد قبل از رسیدن مواد درخواست شده وجود دارد و گاهی به علت بی توجهی انباردار و به علت عدم موارد فوق موجب تعطیل شدن تولید می‌شود .

1. حد تجدید سفارش : مقدار موادی که به محض کاهش موجودی مواد به آن حد می‌بایستی نسبت به خرید مواد اقدام نمود.

برای محاسبه آن از فرمول روبرو استفاده می‌شود : حداکثر مصرف روزانه مواد  $\times$  حداکثر زمان وصول مواد = حد تجدید سفارش

مثال - اگر حداکثر زمان وصول مواد در شرکتی ۶۵ روز و مصرف روزانه مواد حداکثر ۳۵۰۰ کیلو باشد، مطلوبست محاسبه حد تجدید سفارش .

راه حل : کیلو  $۲۲۷/۵۰۰ = ۳۵۰۰ \times ۶۵$

2. حداقل موجودی : عبارت از مقدار موادی است که باید همواره در انبار موجود باشد، یعنی مقدار مواد در انبار نباید از این

مقدار کمتر باشد. برای محاسبه آن طبق فرمول روبرو عمل می‌شود :

حداقل موجودی = ( متوسط مصرف روزانه مواد  $\times$  متوسط زمان وصول مواد) - حد تجدید سفارش

حداکثر زمان + حداقل زمان

حداکثر مصرف + حداقل مصرف

مثال- در شرکتی حداقل زمان وصول مواد ۴۰ روز و حداکثر وصول مواد ۶۰ روز خواهد بود. اگر مصرف روزانه مواد بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ کیلو باشد، مطلوبست تأمین حد تجدید سفارش و حداقل موجودی مواد در این شرکت .

$$\text{حد تجدید سفارش} = 3000/000 = 60 \times 5000$$

$$\text{حداقل موجودی} = 75/000 = (50 \times 4/500) - 3000/000$$

3. باصرفه ترین مقدار سفارش : عبارتست از مقدار موادی که به منظور به حداقل رساندن هزینه های نگهداری مواد در انبار باید نسبت به تهیه آن مقدار مواد اقدام نمود. برای سفارش خرید مواد هزینه های مختلفی وجود دارد از جمله هزینه حمل و نقل . هزینه گمرکی . هزینه گشایش اعتبار و استعلام قیمتها . اگر در طول سال مالی سفارش زیادی برای خرید مواد داشته باشیم، موجب می شود که هم هزینه های سفارش افزایش یابد و همچنین مواد زیادی در انبار بلااستفاده واقع خواهد شد. به همین منظور با صرفه ترین مقدار سفارش برای مؤسسات و شرکتها مهم خواهد بود. برای محاسبه آن از فرمول روبرو استفاده می شود.

هزینه هر بار سفارش  $\times 2 \times$  تعداد مواد مورد نیاز سالانه = باصرفه ترین مقدار سفارش

بهای خرید هر مواد  $\times$  درصد نگهداری مواد

مثال - اطلاعات مربوط به مواد الف در شرکتی به شرح زیر اعلام می شود. مطلوبست محاسبه باصرفه ترین مقدار سفارش . مقدار مواد مورد نیاز سالانه ۹۰/۰۰۰ کیلو، هزینه هر بار سفارش برای مواد فوق ۲۰۰۰ ریال. هزینه نگهداری مواد ۱۰٪ . همچنین بهای هر کیلو مواد ۱۰۰۰ ریال .

$$K 1897 = 3600000 \sqrt{v} = 000/000/360 \sqrt{v} = 2000 \times 2 \times 90000 \sqrt{v}$$

$$100 \quad 1000 \times 10\%$$

4. تعداد دفعات سفارش مقرون به صرفه : یعنی در طول یک سال چند بار می بایستی سفارش داد تا برای مؤسسه مقرون به صرفه باشد :

$$\text{تعداد دفعات سفارش مقرون به صرفه} = \text{تعداد مواد مورد نیاز سالانه}$$

باصرفه ترین مقدار سفارش

مثال - در مثال قبل تعداد دفعات سفارش مقرون به صرفه را نیز محاسبه نمایید .

$$\text{حل :} \quad \text{بار} = 47 = 1897 \div 90000$$

5. دفعات گردش موجودی کالا : آنست که در طول یک دوره مالی این مواد چند بار در انبار پر و سپس خالی یا جایگزین می شود و در واقع نشان دهنده گردش مواد در انبار خواهد بود . هرچه دفعات گردش بیشتر باشد، نشاندهنده آن است که مصرف مواد بیشتر خواهد بود و از رابطه زیر بدست می آید.

$$\text{دفعات گردش موجودی مواد} = \text{متوسط موجودی مواد} \div \text{مواد مصرفی سالانه}$$

$$\text{موجودی مواد پایان سال} + \text{موجودی مواد اول}$$

سال

2

مثال- موجودی مواد الف در شرکتی در اول سال ۱۰/۰۰۰ کیلو و در پایان سال ۲۰/۰۰۰ کیلو بوده است. اگر مقدار مواد مصرفی در طول یک سال ۱۵۰/۰۰۰ کیلو باشد، مطلوبست تعیین گردش موجود مواد.

$$\text{بار} = 10 = 150000 \div 15000 \quad ; \quad 20000 = 15000 + 10000$$



6. دوره گردش موجودی مواد : عبارت از مدت زمانی است که مواد در انبار خواهد ماند. برای محاسبه آن از رابطه زیر استفاده می شود :

$$\text{دوره گردش موجودی مواد} = 360$$

دفعات گردش موجودی مواد

ادامه مثال قبیل : برای محاسبه دوره گردش مواد در مثال قبیل مانند روبرو عمل می کنیم :  $360 \div 10 = 36$  روز  
حداکثر موجودی مواد : عبارت از آن است که در انبار نباید بیش از این مقدار مواد نگهداری شود. در صورت نگهداری مواد بیش از حداکثر موجودی ، سرمایه شرکت راکد می ماند و یا مواد فاسد می شوند و همچنین هزینه انبارداری مواد، افزایش می یابد. محاسبه به طریق زیر است :

( حداقل زمان وصول مواد  $\times$  حداقل مصرف مواد ) - باصرفه ترین مقدار سفارش + حد تجدید سفارش = حداکثر موجودی مواد

مثال - با توجه به اطلاعات زیر مطلوبست محاسبه حداکثر موجودی مواد .

مصرف روزانه مواد بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ عدد . مدت تحویل بین ۴۵ تا ۷۵ روز ، باصرفه ترین مقدار سفارش ۶۰۰۰۰ کیلو .

راه حل :  $90000 = 1200 \times 75$  حد تجدید سفارش ؛  $105000 = (1000 \times 45) - 60000 + 90000$

کسری یا اضافی انبار : عبارت است از اختلاف بین موجودی واقعی مواد با موجودی طبق اسناد و مدارک یا کارتهای انبار .

اگر مقدار واقعی مواد بیشتر از موجودی مواد طبق کارت مواد باشد، اضافی انبار و در صورتیکه موجودی واقعی مواد کمتر از موجودی مواد طبق کارت انبار باشد، کسری انبار داریم. برای موجودی ها در پایان سال مالی توسط گروه انبارگردانی صورت برداری و یا عینی برداری می شود تا موجودی واقعی انبار در پایان سال مالی مشخص شده و بتوان با موجودی طبق اسناد و مدارک و کارت انبار مورد مقایسه قرار داد .

اگر کسری انبار داشتیم، ثبت : کسری و اضافات انبار xx

اگر اضافات انبار داشتیم ، ثبت : کنترل مواد xx

کنترل مواد

xx کسری اضافات انبار xx

مانده کسری اضافات انبار به خلاصه حساب سود و زیان بسته خواهد شد. هدف : رسیدن به مانده واقعی ( موجودی واقعی مواد در انبار، موجودی مواد طبق کارت انبار ) .

مثال- ۱. موجودی مواد الف ، طبق کاردکس انبار ۵۰ کیلو به مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال را نشان می دهد. پس از موجودی برداری

مشخص گردید، که مقدار واقعی مواد مذکور ۵۲ کیلو می باشد. ۲. موجودی ب طبق کاردکس ۱۰۰ کیلو بوده است و مبلغ

۱۰۰۰۰۰ ریال در حسابها منعکس شده است. اگر موجودی عینی پایان سال این مواد ۹۹ کیلو باشد، مطلوبست تعیین و ثبت

کسری و اضافی انبار در دفتر روزنامه و ثبت بستن حسابها .

1. اضافه انبار ۲ کیلو ( ۲۰۰۰ ریال )

۲. کسری انبار ۱ کیلو ( ۱۰۰۰ ریال )

۳. بستن حسابها :

1000 کسری

کسری یا اضافی انبار

حساب کنترل مواد ۲۰۰۰

اضافی انبار ۱۰۰۰

1000 حساب خلاصه سود و زیان 1000

\* ثبت بابت اضافی انبار \*

ثبت بابت کسری مواد

\* بابت

بستن حسابها

ثبت خرید مواد : برای ثبت حسابداری خرید مواد حساسی بنام حساب کنترل مواد بدهکار می گردد. حساب کنترل مواد یکی از حسابهای دارایی جاری محسوب می شود و در زمان خرید مواد این حساب بدهکار و در زمان مصرف مواد و یا برگشت مواد این حساب بستانکار می گردد .

مثال- در تاریخ ۸۴/۲/۱ موادی به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به طور نسیه خریداری شد. مطلوبست ثبت لازم در دفتر روزنامه .

حساب کنترل مواد ۲/۰۰۰/۰۰۰

حساب بستانکاران ۲/۰۰۰/۰۰۰

بابت خرید مواد

### بهای تمام شده موجودیها در واحدهای خدماتی

بهای تمام شده موجودیها در واحدهای خدماتی اساساً دستمزد و سایر مخارج کارکنانی که مستقیماً در ارائه خدمات مربوط مشارکت داشته اند و نیز سربرار قابل تخصیص را دربر می گیرد. دستمزد و سایر مخارج مربوط به کارکنان اداری و فروش در بهای تمام شده خدمات ارائه شده منظور نمی شود بلکه در دوره وقوع به عنوان هزینه شناسایی می گردد.

### روشهای محاسبه بهای تمام شده

برای محاسبه بهای تمام شده موجودی مواد و کالا روشهای مختلفی با آثار متفاوت به کار گرفته می شود. این روشها از جمله شامل موارد زیر است:

الف . اولین صادره از اولین وارده،

ب . میانگین موزون،

ج . شناسایی ویژه،

د . اولین صادره از آخرین وارده،

ه . موجودی پایه، و

و . خرده فروشی.

- اولین صادره از اولین وارده عبارت است از محاسبه بهای تمام شده موجودی مواد و کالا
- براین اساس که تعداد موجود، بیانگر آخرین خریدهها یا آخرین تولیدات است.
- میانگین موزون عبارت از محاسبه بهای تمام شده موجودی مواد و کالا براساس اعمال بهای متوسط در مورد واحد موجودی است. میانگین موزون از تقسیم مجموع بهای تمام شده واحدهای موجودی به مجموع تعداد واحدهای آن موجودی محاسبه می گردد و می توان از طریق محاسبه دایمی (میانگین موزون متحرک) یا محاسبه ادواری (میانگین موزون سالانه، شش ماهه و...) به آن دست یافت.

- شناسایی ویژه روشی است که در آن مخارج مختص هر یک از اقلام موجودی به آن قلم اختصاص می‌یابد. این روش برای اقلامی مناسب است که صرفنظر از فرایند خرید یا تولید قابل تشخیص هستند. اما کاربرد این روش در مواردی که اقلام متعددی از موجودی مواد و کالا از یکدیگر قابل تفکیک نباشند، مناسب نیست.
- اولین صادره از آخرین وارده عبارت است از محاسبه بهای تمام‌شده موجودی مواد و کالا براین اساس که تعداد موجود بیانگر اولین خریده‌ها یا اولین تولیدات است.

- موجودی پایه عبارت است از بهای تمام شده موجودی مواد و کالا براین اساس که یک ارزش واحد ثابت به بخشی از موجودیها که تعداد آن از پیش تعیین شده است نسبت داده می‌شود و موجودیهای اضافه براین تعداد به روش دیگری ارزشیابی می‌گردد. اگر تعداد واحدهای موجود، کمتر از حداقل از پیش تعیین شده باشد، ارزش واحد ثابت در مورد کل تعداد موجودی اعمال خواهد شد.

در ترازنامه ارائه مبالغ مربوط به طبقات مختلف موجودیها و میزان تغییرات آن از یک دوره به دوره دیگر اطلاعات مفیدی در اختیار استفاده‌کنندگان صورتهای مالی قرار می‌دهد. از این رو موجودی مواد و کالای مندرج در ترازنامه باید در یادداشتهای توضیحی به‌گونه‌ای طبقه‌بندی شود که مبالغ مربوط به هر یک از طبقات عمده موجودیها به شرح زیر نشان داده شود:

الف . مواد اولیه،

ب . کار در جریان پیشرفت (شامل کالای در جریان ساخت و کارهای خدماتی در جریان تکمیل)،

ج . کالای ساخته شده و کالای خریداری شده برای فروش ،

د . مواد و کالای در راه (لازم به یادآوری است که در شناخت این موجودیها، مقطع زمانی انتقال مالکیت آن باید ملاک عمل قرار گیرد) ،

#### **مطابقت با استانداردهای بین‌المللی حسابداری**

با اجرای الزامات این استاندارد، مفاد استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۲ با عنوان موجودیها نیز رعایت می‌شود.

بند اول:

موجودیهای کالا مجموعه ای از اقلام مشهود است که :

۱. برای فروش نگهداری می شوند (کالای ساخته شده)

۲. به منظور ساخت و فروش محصول در فرآیند تولید قرار دارند و هنوز عملیات یا فرآیند ساخت روی آنها بطور کامل انجام نشده است. (کالای در جریان ساخت)

۳. بمنظور مواد اولیه مستقیم یا غیر مستقیم در تولید کالا یا ارائه خدمات نقش دارند

موجودیهای متفرقه را نیز اضافه کرد که شامل اقلامی نظیر ملزومات اداری و مواد بسته بندی که معمولاً در آینده نزدیک مصرف و هنگام مصرف به عنوان هزینه های اداری و تشکیلاتی یا توزیع و فروش تلقی می گردد و در سرفصل موجودیهای جاری طبقه بندی می گردد.

بند دوم :

دلیل مهمی که باعث شد به این موضوع مهم پردازیم اهمیت آن در ترازنامه و همچنین میزان سودآوری شرکت مورد نظر است.

موجودیهای کالا قسمت اعظمی از سرمایه گذاری ها و مصارف منابع شرکت ها را تشکیل می دهند و از نظر مبلغ با اهمیت می باشند و در نتیجه بر سودآوری موسسه نیز به میزان زیادی تاثیر گذارند. نحوه ثبت و ارزشیابی موجودیها که در ادامه توضیح خواهیم داد بر روی سود شرکتها تاثیر گذار است.

موجودیهای مواد و کالا چون معمولاً در مدتی کمتر از یک سال مصرف می شوند، به فروش می رسند، بنابراین در ترازنامه جزو داراییهای جاری طبقه بندی میشوند.

همچنین این دارایی جاری بعد از حسابهای دریافتی ، به دلیل قدرت نقد شوندگی کمتر نسبت به حسابهای دریافتی ، نشان داده می شوند.

لازم به ذکر است که موجودی مواد غیر مستقیم (ملزومات) را میتوان تحت عنوان سایر داراییها ارائه نمود.

ه . سایر اقلام مصرفی (از قبیل قطعات و لوازم یدکی ماشین آلات ، ملزومات و مواد غیر مستقیم)، و

و . اقلامی که به طور معمول و با توجه به شرایط ایجاد شده به منظور فروش نگهداری می شود (از قبیل ضایعات تولید، داراییهای ثابت برکنار شده و اقلام اسقاطی).

SirathMesab.ir